

دهه‌اول انقلاب‌یا همان دوران تثبیت انقلاب‌پرفرازونشیب‌تر از آن چیزی بود که شاید برخی در ابتدا گمان می‌بردند، از غائله‌های جدایی‌طلبان شمال و غرب و شرق گرفته تا رئیس‌جمهوری که از جنس انقلاب‌نبود و گروهک‌هایی‌چون منافقین که در این مقابله با دشمن از درون ضربه می‌زدند. هیچ کدام از اینها اما همپای جنگ تحمیلی انقلاب را تحت فشار نگذاشت و قریب یک دهه کشور را به چالش نکشید. جنگ هم البته با تمام فراز و فرود هایش نتوانست هدف اولیه آغاز کنندگانش را محقق کند و انقلاب‌نوپای مردم ایران را فرو بپاشد. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی برای مردم ایران یک اتفاق بزرگ بود و همین کافی بود تا سال ۶۷ و ۱۰ ساله‌شدن انقلاب را متفاوت از سال‌های پیشین کند. اماخب این رویداد، پایان وقایع مهم این سال نیست و با وجود پایان جنگ، تالطم‌ها همچنان کشور را درنوردیده و چالش‌هاییکی پس از دیگری فرامی‌رسند. بعد از مرصاد و یکی، دو مساله مربوط به سیاست خارجی، باقی مسائل به موضوعات داخلی مربوط می‌شوند و با گذشت زمان به‌تدریج جدی و مهم.

با فرارسیدن زمستان و تداوم رادیکالیسم بیت‌آیت‌الله منتظری، فاصله قائم‌مقام رهبری با نظام و اضلاع مختلف آن با سرعت

ناباورانه‌ای زیادی می‌شود، آن‌طور که در فاصله‌ای کوتاه و در روزهای

ابتدایی فروردین ۶۸ امام‌مینی(ره) کارا یکسره می‌کند و با عزل

آیت‌الله منتظری جایگاه قائم‌مقام رهبری برای همیشه از تاریخ

انقلاب و سیستم حکومتی در ایران حذف می‌شود. مجموعه این

وقایع و نهایتا بعد از آن تغییر و تصویب قانون اساسی و رحلت

امام امت وقایع ماه‌های پایانی سال ۶۷ و نیمه اول ۶۸ را به یکی

از سرنوشت‌سازترین روزهای تاریخ انقلاب بدل می‌کند که شاید

مثال آن تا به امروز تکرار نشده باشد.

حالا و هم‌زمان با چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب مادر روزنامه «فرهیختگان» تصمیم گرفتیم به جای برخی اقدامات تکراری و بعضا کلیشه‌ای یک ماجرای جالب‌توجه و جنجالی در پایان دهه اول انقلاب را مورد بازخوانی قرار دهیم و با این کار یک زیر و دو نشان بزنیم؛ اول اینکه در جریان وقایع و حال و هوای روزهای پرتالهب زمستان ۶۷ قرار بگیریم و ثانیا جمع‌بندی سران نظام از ۱۰ سال اول انقلاب را به‌صورت یکجا مرور کنیم.

ماجرا از این قرار است که در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۷ و هم‌زمان با دهمین سالگرد پیروزی انقلاب، ستاد گرامیداشت دهه فجر که مسئولیت آن با سیدطاها هاشمی (سفیر کنونی ایران در واتیکان) بود، طی اتفاقاتی تصمیم می‌گیرد ویژه‌نامه‌ای برای ۱۰ سالگی انقلاب منتشر کند. مسئولیت این امر برعهده محمدجواد مظفر، مدیرکل وقت مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد قرار می‌گیرد؛ کسی که پیش‌تر و در سال ۶۱ چنین ویژه‌نامه‌ای را برای سالگرد پیروزی انقلاب تهیه کرده بود، نشریه‌ای که خروچی آن متفاوت از هر آن چیز است که در ۱۰ سال ابتدایی درباره انقلاب تدوین شده بود. این نشریه این روزها و در جوی که توضیح آن در ابتدای متن گفته شد، حسابی جنجالی می‌شود و بازتاب‌های داخلی و خارجی زیادی را در پی دارد.

مسئولان نشریه یادشده برای این کار گفت‌وگو با چهار تن از شخصیت‌های اصلی انقلاب را مدنظر قرار می‌دهند. اولین نفر قائم‌مقام رهبری است، نفر دوم رئیس‌جمهور وقت آیت‌الله علی خامنه‌ای، سومین نفر رئیس‌مجلس یعنی اکبرهاشمی‌فسنجانی و نفر چهارم هم رئیس دیوان عالی کشور آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی.

قائم‌مقام رهبری در یکی، دوماه پایانی

اولین مصاحبه این نشریه مربوط به گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری است، فردی که آخرین روزهای حضور خود در جایگاه قائم‌مقام رهبری را سراسری می‌کند. نکته مهم این است که بیت‌آقای منتظری قبل از انتشار این نشریه در ۱۲ بهمن ماه، و بدون اطلاع مسئولان نشریه، اقدام به انتشار مصاحبه کرده و نسخه‌هایی از این گفت‌وگو را در تیراژ قابل توجه بین مردم قم توزیع می‌کند؛ اتفاقی که جنجال زیادی به پا کرد و خبر آن به سرعت در کشور دست‌به‌دست می‌شد. آیت‌الله منتظری در ابتدای این گفت‌وگو همانند دیگر سخنرانی‌های آن روزهایش منتقدانه نسبت به عملکرد ۱۰ ساله انقلاب موضع می‌گیرد، هرچند همچنان مدافع اصلی انقلاب و برخی دیگر از کارهاست. او می‌گوید در این سال‌ها آنچه‌ان که باید و شاید به مردم بها داده نشده و برای حفظ آنها در صحنه تلاش مناسبی صورت نگرفته است. آیت‌الله منتظری در اثنای این گفت‌وگو شا کله دیدگاه خود را بر پایه فاصله داشتن ققها از امور مدیریتی بنا کرده و می‌گوید فقهای ما به دلیل دور بودن از

حکومت و قدرت، بسیاری از نکات و حقایق مربوط به آن را مورد توجه قرار نداده اند و در حقیقت کمتر درصد ارائه‌فقه‌برای حکومت جهت اداره شمول مختلف زندگی بودند، لذا اکنون که طاغوت سقوط کرده نوبت چاره‌جویی و استنباط فقهی حکومت و سیاست است و حوزه‌های علمیه در این خصوص وظیفه سنگینی دارند. جنجالی‌ترین بخش گفت‌وگو اما مربوط به بخش پایانی بحث است؛ جایی که قائم‌مقام وقت بنیانگذار انقلاب ابراز می‌کند در کشور شیوه‌های مدیریتی غلط بوده و معمولا کارها به دست‌اهلش سپرده نشده است. آیت‌الله منتظری از افراط و تفریط‌ها سخن می‌گوید و معتقد است آنها به انقلاب ضربه وارد کرده. او نهایتا معتقد است قبل از هرگونه بازسازی کشور باید در بینش اداره آن تامل کرد و به بازسازی سیاسی و فکری پرداخت.

رئیس‌جمهور با دغدغه‌های فرهنگی

صرف‌نظر از گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری که بخشی از سوالات فقهی است و محمدجواد مظفر تلاش می‌کند کمتر درمورد مسائل مربوط به اداره کشور وارد جزئیات شده و با آیت‌الله بحث کند، سوالات گفت‌وگوهای بعدی تقریبا مشابه است. نکته قابل‌تامل در این زمینه این است که محمدجواد مظفر خود یک جمع‌بندی نسبتا قطعی نسبت به دوره ۱۰ ساله ابتدایی انقلاب دارد و در طول سه گفت‌وگو هم به‌نظر می‌رسد که نمی‌خواهد تعبیری در ایده اولیه خود داشته باشد و دقیقا بر همین مبنا عینا سوالات خود را در مصاحبه‌ها تکرار می‌کند. جمع‌بندی مدیرکل وقت رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که بر مبنای آن به مواجهه با سران قوا می‌پردازد این است که «انقلاب پس از ۱۰ سال نتوانسته به اهداف خود برسد و این اتفاق دقیقا مشابه وقایع رخ داده در دیگر انقلاب‌های اخیر در دنیاست.» او که معتقد است «اصلاح» باید جای انقلاب را در دنیای مدرن بگیرند، در اولین سوال گفت‌وگو با رئیس‌جمهور وقتی یعنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای می‌پرسد «با وجود تجربیات این ۱۰ ساله اگر زمان به عقب برگردد شما کدام‌یک از کارها را تکرار و از تکرار کدام‌یک جلوگیری می‌کنید؟»

رئیس‌جمهور که حالا هاست فراز و فرودهای اداری کشور را لمس کرده و احتمالا نگران آینده هم هست، پاسخ می‌دهند: «دستگاه تربیت مدیر با شناسایی مدیران خوب را باید از ابتدای انقلاب راه‌اندازی می‌کردیم» و ابراز تاسف می‌کند که به چنین اقدام مهمی توجه نشده است. آیت‌الله خامنه‌ای که ظاهرا از وضعیت دانشگاه‌های کشور ناراضی بودند، می‌گویند: «در طول جنگ از وضعیت دانشگاه‌ها و ظرفیت حقیقی آنها غافل شده‌ایم و اگر دانشگاه‌ها به خوبی تقویت می‌شدند اکنون چند نسل فارغ‌التحصیل انقلابی داشتیم»؛ اتفاقی که قاعدتا می‌توانست خیال کشور را از آینده مدیریت و اجرایی راحت کند. از همین مباحث ابتدایی به خوبی می‌توان شا کله ذهنی رئیس‌جمهور وقت را شناخت و امروز مشخصه‌ای آن را در ۳۰ سال مدیریت و رهبری انقلاب دید. آیت‌الله خامنه‌ای پس از طرح موضع‌شان نسبت به تقویت دانشگاه‌ها و سیستم آموزشی کشور به یک دغدغه مرکزی که در سال‌های بعد همچنان برای او موضوعیت داشته، می‌پردازند. در دی‌ماه ۱۳۴۷ آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند اگر انقلاب به عقب برگردد یک مرکز قوی فرهنگی برای طراحی شیوه و محتوای انقلاب راه‌اندازی خواهیم کرد.

ایشان تصریح می‌کنند: «فرهنگ یک کشور بزرگ انقلابی مانند ما اگر بخواهد بالنده باشد نیاز به مرکزی دارد که در رأس آن نخیکنان فرهنگی با ذهنیت‌های فاخر از همه امکانات برای ساماندهی فرهنگ کشور استفاده کنند.» این دغدغه همان مساله‌ای است که ایشان در سال‌های بعد و در طول رهبری جامعه همواره به آن توجه دارند و هربار به نوعی آن را در جامعه مطرح می‌کنند، تبشیر می‌دهند و انذار می‌کنند.

شاهد مثال، انقلاب کبیر فرانسه

سوال بعدی همان ماجرای انقلاب یا اصلاح است و جایی که شخص است پاسخ متقن رئیس‌جمهور مصاحبه‌کننده را به نوعی متوقف می‌کند. رئیس‌جمهور در این بخش از سخنان خود در پاسخ به سوالی که انقلاب در عصر مدرن از منفی می‌داند با دقتی مثال‌زدنی وقایع انقلاب کبیر فرانسه را شاهده می‌گیرند و به حلای اتفاقات سال‌های پس از سال ۱۷۸۹ می‌پردازند؛ زبرورو شدن وضع مردم فرانسه را مثال می‌زنند و بنیانی که هرگز اجازه نداد وضعیت جامعه پس از انقلاب به دوران سلطنت لویی شانزدهم و اماقبل آن برگردد. در خلال این واکاوی تاریخی، آیت‌الله خامنه‌ای

سیاست



بازخوانی یک ویژه‌نامه مهم که در آستانه ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ در ایران بازتاب زیادی پیدا کرد

درباره یک انقلاب ۱۰ ساله

قانون اساسی آغاز کرده و می‌گوید: «اگر امروز با تجربه کنونی می‌خواستیم عمل کنیم، قانون اساسی جامع‌تری می‌نوشتیم... هرچند نقاط ضعف قانون اساسی کشور اندک و نقاط قوت آن زیاد است.»

هاشمی‌رفسنجانی البته این را هم می‌گوید که اگر آن حالت انقلابی روزهای او نبود نگارش قانون اساسی نه آنقدر که باید و شاید مترقی می‌بود و نه متناسب با آرمان‌های انقلاب. خلاصه حرف او در این یک عبارت قابل جمع‌بندی است: «اگر الان می‌خواستیم قانون اساسی را بنویسیم شاید اجرایی‌تری می‌نوشتیم اما تحقیقا محافظه کارانه می‌شد.»

برای آغاز نشدن جنگ باید تلاش بیشتری می‌کردیم

بحث دوم او قابل توجه است و یادیدگاه‌های سال‌های بدش نیز قرابت دارد. هاشمی می‌گوید: «اگر امروز می‌خواستیم انقلاب را شروع کنیم برای آغازنشدن جنگ تلاش بیشتری می‌کردیم.» البته در ادامه توضیحات دقیق‌تری داده و تاکید می‌کند: «شاید بدون جنگ شرایط مادی بهتری داشتیم اما حتما به لحاظ روحیه انقلابی چیزهایی را از دست می‌دادیم و تجربیات جنگی و اثرات سازنده شهادت و فداکاری را به دست نمی‌آوردیم. با وجود اینکه جمع‌بندی و تلاش برای جلوگیری از وقوع جنگ است اما تاکید دارد که «با تجربه امروز ظرف ۲ هفته توانستیم جنگ را پایان دهیم اما آن روزها هر چقدر هم که تلاش می‌کردیم، چون دشمن ما را باور نداشت جنگ پایان نمی‌پذیرفت و حمل‌بر ضعف مامی‌شد.» نکته مهم این بخش از اظهارات هاشمی رفسنجانی درمورد یک تجربه قابل توجه است که شاید اگر بعدا هم تداوم می‌یافت سازندگی سرت‌بیشتری داشت. اومی‌گوید: «با ابرار نظام‌داری و اجرایی به اثر رسیده‌از دوران طاغوت امکان اداره کشور و جنگ وجود نداشت و تأسیس نهادهای موازی چندر امور نظامی و انتظامی و چه‌مسائل فرهنگی اداری و حتی عمرانی تجربه موفقی برای کشور بود.» رئیس‌مجلس به سوال «انقلاب یا اصلاح؟» که می‌رسد درمورد جنس افراد توضیح می‌دهد: «کسانی که قدری نزدیک‌تر به یک نظام هستند رفم فکر می‌کنند؛ انقلابی باید خارج از نظام قبلی باشد... اینکه بخشی از آرمان‌ها در عمل قابل تحقق نباشد منطبق قابل قبولی است اشکالی هم ندارد، اما نباید محتوای انقلاب از دست برود.»

هاشمی‌رفسنجانی در بخش بعدی مانند آیت‌الله خامنه‌ای اولین و مهم‌ترین دستاورد انقلاب برای کشور استقلال سیاسی می‌داند و تاکید می‌کند: «حتی سرسخت‌ترین مخالفان ما هم نمی‌توانند مدعی شوند که ما از لحاظ مدیریت سیاسی کشور به جایی وابستگی داریم.» رئیس‌مجلس استقلال کشور در عرصه اقتصادی را نصفه و نیمه توصیف می‌کند و اظهار می‌کند: «همچنان در نیمه راه رسیدن به آرمان استقلال اقتصادی هستیم.» هاشمی جنگ را مانع بزرگی برای این استقلال اقتصادی می‌داند و معتقد است ابراز مادی ما برای پیشرفت کافی نیست چرا که در دنیا محاصره اقتصادی هستیم و نمی‌توانیم امکانات لازم را از کشورهای دیگر به‌دست بیاوریم.

آزادی به‌معنای واقعی کلمه در ایران وجود دارد

هاشمی درمورد آزادی هم توضیحات مهمی بیان می‌کند، جمع‌بندی او در ۱۰ سالگی انقلاب این است که آزادی به‌معنای واقعی کلمه در ایران وجود دارد، البته توضیح می‌دهد: «اگر برداشت از آزادی چیزی است که در غرب وجود دارد این از اول به‌شعارهای ما نبود... در مقابل ما مردم اکنون در انتخاب سرنوشت خودشان آزادند و بی‌انصافی است اگر کسی بگوید در ایران مردم در تصمیم‌گیری مجبورند.»

طبیعی است به کسی که ضدآرمان است اجازه انتخاب‌شدن ندهیم

اکبر هاشمی‌رفسنجانی در این قسمت از حرف‌هایش به سراغ عملکرد شورای نگهبان هم می‌رود و تم‌قاد از این نهاد دفاع می‌کند. رئیس سومین دوره مجلس شورای اسلامی که حدودا یک سال از عمر آن می‌گذرد، معتقد است: «شورای نگهبان ممکن است بعضی از کاندیداها را نپذیرد، خب این بر اساس اصول است، انقلاب ما از اول بنا بود جمهوری اسلامی باشد، بنابراین اگر کسی ضداسلام و ضدآرمان باشد طبیعی است که اجازه انتخاب‌شدن به او را ندهیم که اگر اجازه می‌دادیم از انقلاب مان‌برمی‌گشتیم.»

۲

مصاحبه‌کننده در اینجا ی بحث با او محاجه می‌کند و در واکنش به این جمله هاشمی که «بی‌انصافانه‌ترین حرف این است که آدم بگوید در جمهوری اسلامی آزادی نیست» می‌پرسد «آیا درمورد قلم و بیان هم چنین نظری دارید؟» که هاشمی قاطعانه پاسخ می‌دهد: «حتما همین نظر را دارم.»

آمریکا برای برقراری رابطه به التماس افتاده اما پذیرشش برای ما دشوار است

توضیحات هاشمی در مورد جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸ قابل توجه است. می‌گوید: «جنگ جنگ تا پیروزی شعار انقلاب نبود بلکه مختص جنگ بود که امام آن را بیان کردند و مردم نیز تایید کردند» و البته این را هم اضافه می‌کند که «عدم‌پذیرش قطعنامه یک تصمیم انقلابی نمی‌توانست باشد» حرفی که البته آن روزها منتقدان زیادی داشت.

هاشمی به جز رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی که حکومت‌شان را نامشروع می‌داند قطع رابطه با دیگر کشورها را نوعی واکنش توصیف و از «برخورد مساوی نظام» دفاع می‌کند. او توضیح می‌دهد: «آنها شاه را بردند، اینجا هم بچه‌های ما آنها را گروگان گرفتند، آنها به کارمند سفارت ما اهانت کردند، ما هم مقابله به‌مثل کردیم و کوتاه نیامدیم.» هاشمی پذیرش جنگ را حاصل یک محاسبه دقیق می‌داند و می‌گوید اگر می‌خواستیم به جایی برسیم باید پنج یا ۶ سال دیگر می‌جنگیدیم و لذا مصلحت ندیدیم که ادامه دهیم. نوبت به آمریکا که می‌رسد با وجود اینکه مصاحبه‌کننده علاقه‌ای به ادامه بحث ندارد، هاشمی توضیحاتش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: «پذیرش رابطه با آمریکا با آن که آنها خیلی اصرار دارند و به التماس افتاده‌اند برای ما دشوار است چرا که یک جریان طولانی مخاصمه همه از اول انقلاب با آنها وجود داشته است.»

بازنده اصلی منازعه، آمریکا بوده نه ایران

چند سوال جلوتر هاشمی در پاسخ به اینکه در هم‌وردی ایران و آمریکا کدام‌یک موفق بوده است؟ با قاطعیت نظر مصاحبه‌کننده که آمریکا را در این هم‌اورد موفق توصیف می‌کند، رد کرده و می‌گوید: «کاملا مخالفم.» وی توضیح می‌دهد که «بازنده اصلی در این جریان آمریکا بوده است چرا که ایران به‌عنوان جزیره ثبات را از دست داده است.»

هاشمی اضافه می‌کند: «سیاست‌های احقمانه آمریکا کار را به جایی رسانده که مردم ما حتی حاضر نیستند با آمریکا حرف بزنند.

آنها طر‌ح‌هایی را برای لیبرالیزه کردن انقلاب و پوساندن از درون داشتند، ولی شکست خوردند و نهایتا کار به جایی رسید که در زمان جنگ ما مساله جدیدی را مطرح کردیم و گفتیم آمریکا باید به کلی از منطقه بیرون برود. این‌ها بر اثر اشتباه آمریکا پیش آمد.»

رئیس دیوان عالی، منتقد ادامه جنگ

آخرین گفت‌وگوی این نشریه با سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی است، کسی که بعد از شهادت شهید بهشتی سکان قضا در جمهوری اسلامی را برعهده گرفت.

موسوی اردبیلی در ابتدای مصاحبه و در پاسخ به سوال اصلی گفت‌وگو که اگر به عقب برمی‌گشتید چه می‌کردید، حرف جالبی می‌زند که حداقل با نظر دیگر مسئولان نظام تفاوت دارد. او می‌گوید: «من از جمله کسانی هستم که اگر به عقب برگردیم می‌گویم جنگ را باید در فتح خرمشهر متوقف می‌کردیم و در مورد لانه جاسوسی هم می‌گویم اگر در آن موارد موضع صحیح می‌گرفتیم بهتر بود، نباید می‌گذاشتیم کار آنقدر ادامه پیدا کند.»

رئیس دستگاه قضا در پاسخ به سوال «انقلاب یا اصلاح؟» مانند هر ۳ نفر قبلی انقلاب را انتخاب می‌کند و مانند دیگر سران قوا می‌گوید که با اصلاح دردی از کشور دوا نمی‌شد. تفاوت‌های پاسخ‌های آیت‌الله موسوی اردبیلی البته همین‌جا به پایان نمی‌رسد. او در پاسخ به سوال‌های مشابه پاسخ‌های متفاوت دیگری هم دارد. وی درمورد پایان جنگ می‌گوید: «ما می‌دانستیم دنیا ما را تحمل نخواهد کرد، شرق و غرب تضادهای خودشان را به کلی کنار گذاشت و در مقابل ما خواهند ایستاد. محاسبه و معادلات روی امکانات خودمان داشتیم، ولی دیدیم آمریکا حاضر شده نیروی دریایی خود را به خلیج فارس بیاورد و دنیا را هم به دنبال خود می‌کشد. در روز روشن هواپیمای مسافری ما را می‌زنند. ما قیلا این چیزها را حساب نکرده بودیم این‌ها غیرقابل پیش‌بینی بود.»

رئیس دستگاه قضا درمورد موفقیت شعارهای انقلاب معتقد است برخی صدرصد محقق شده و برخی کمتر و در برخی نیز رشد منفی بوده است و ابراز می‌کند: «در مورد استقلال سیاسی صدرصد موفق بوده‌ایم. تا‌ر‌و‌ی‌د کشور ما سیاست‌های خارجی بود و به تبع آن همه سیاست‌های داخلی ما هم وارداتی بود، ولی ما به سرعت همه این قیدوننده‌ها را قطع کردیم و واقعا سرنوشت خود را به دست گرفتیم.»

موفقیت انقلاب در مقوله عدالت

او رسالت دیگر انقلاب را رساندن پیام اسلام به دنیا می‌داند و می‌گوید در این سال‌ها به عقیده دنیا اسلام پدیده مرده‌ای بود و رسالتی پس از ۱۴۰۰ سال نداشت ولی انقلاب نشان داد اسلام زنده است و پیام دارد. رئیس دستگاه قضا درباره شعارهایی که هنوز محقق نشده مثال تأمین زندگی دنیوی مردم را می‌زند و می‌گوید به‌خاطر جنگ و البته به‌خاطر خامی‌های خودمان نتوانستیم تصمیم درست بگیریم.

وی درباره سه مقوله عدالت، آزادی و معنویت توضیح می‌دهد: «در مورد عدالت، انقلاب موفقیت نسبتا خوبی داشته است. در زمینه آزادی هم عملکردش بد نبوده ولی اوضاع جنگ پذیرش شرایط را تغییر داده است.» نهایتا آیت‌الله موسوی اردبیلی درمورد معنویت نظر می‌دهد و می‌گوید شهدا، جانبازان و جوانانی که در بسیج و سپاه شرکت کردند و شهادت‌طلبی کردند شاهدان برای این ماجرا هستند. ما این جوان‌ها را از خارج وارد نکردیم، این‌ها همان جوان‌های قبل از انقلاب هستند که در خیابان‌ها پرسه می‌زدند.